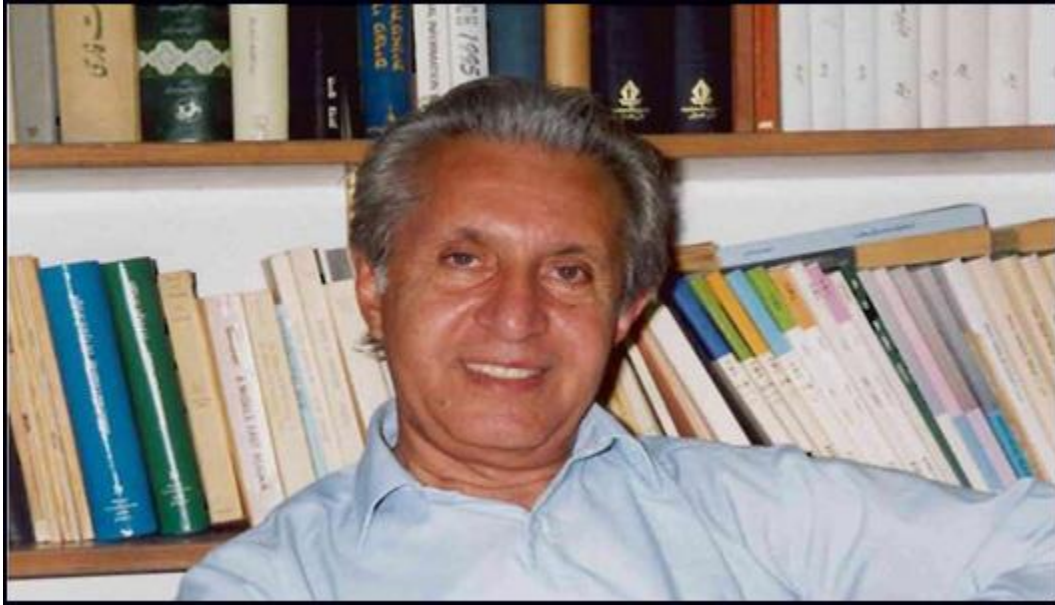


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب  
به شرح اماکن مقدس یهودی  
در خاک ایران می پردازد  
که شمار آن ها در خارج از خاک  
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی یازدهم

## شهر شوش در ایران، "قبله آمل" یهودیان اورشلیم بوده است



نمای بیرونی آرامگاه حضرت دانیال نبی که در شب شکوه بسیار دارد

پرسش - مطلبی که در گفت و گوی پیشین فرمودید بسیار شگفت و جالب بود که نه فقط آرامگاه حضرت دانیال در شهر شوش برای مسلمانان نیز جنبه تقدس دارد، بلکه با استناد به کتابی که در صدر اسلام نگارش یافته، شما تعریف کردید که در شهر شوش اهالی دو طرف رودخانه کرخه با هم دعوا می کردند که این مزار باید در کدام سوی رودخانه قرار داشته باشد، زیرا بر این باور بودند که آرامگاه آن نبی یهودی، برایشان نعمت و برکت می آورد. شما در ادامه سخنان خویش گفتید که سبک معماری بقعه ای که به روی این آرامگاه ساخته شده کم نظیر است و در کمتر مکان دیگری در ایران شبیه آن دیده شده است. لطفا توضیح بیشتری بفرمائید.

پاسخ - این دیدگاه را بیان کردم، گرچه من خود آرشیوتکت نیستم و حتی از شوش نیز هنوز دیدن نکرده ام. ولی این نکته را نیز باید بگویم که در آن شهر حفاری های باستانشناسی زیادی انجام گرفته و یکی از استادانی که در این زمینه زحمات بسیار کشید یک باستانشناس یهودی فرانسوی به نام رومن گیرشمن (Roman Ghirshman ۱۸۹۵-۱۹۷۹) بود که چند سالی

از آخر عمر خود را نیز در شهر خدیرا در مرکز اسرائیل گذراند. او نگارنده یکی از بهترین کتاب‌ها درباره تاریخ ایران پیش از اسلام نیز هست. [این کتاب که به زبان فرانسه نگاشته شده، با نام "ایران، از آغاز تا اسلام" در سال ۱۳۳۵ خورشیدی توسط دکتر محمد معین به فارسی بازگردانیده شد].

قاعده مقبره دانیال در شوش هشت ضلعی است که پس از چند متر که به بالا می‌رود به صورت مخروطی در می‌آید و ارتفاع آن از بیست متر تجاوز می‌کند. این معماری چنان زیباست که در دوران پهلوی، پشت اسکناس‌های پنج ریالی آن زمان به تصویر این مقبره مزین شده بود. البته در آن دوران پنج ریال پول زیادی بود و با آن می‌شد یک روز زندگی کرد. این بنا در دوران محمد رضا شاه بازسازی گردید.

مخروط گنبد آرامگاه دانیال به صورت مقرنس بنا شده، یعنی آجرها را طوری قرار داده اند که به صورت دندان‌ه وار در آمده و همانند پلکان بالا می‌رود و باریک تر می‌شود. کارشناسان امور معماری اسلامی در ایران می‌گویند که شماری کمی آرامگاه یا امام زاده ای را در سراسر کشور یافته اند که گنبدی به این شیوه روی آن بنا شده باشد.

در مورد قدمت این بنای تاریخی ارزیابی می‌شود که شروع احداث آن در دوران آل بویه بوده، ولی بیش از این نمی‌توانم چیزی در این باره بگویم، زیرا در همه کتب و مراجعی که جستجو کرده‌ام توضیحات بیشتری نیافته‌ام. ولی تصور می‌کنم که پروفیسور پرویز ورجاوند در این زمینه تخصص دارد و در مورد مقابر اسلامی تحقیقات ارزنده ای انجام داده است که علاقمندان می‌توانند به نوشته‌های ایشان رجوع کنند.

نکته دیگری را نیز می‌خواهم درباره آرامگاه دانیال نبی بگویم که گرچه اساس مستحکمی ندارد، ولی در ادبیات تاریخی ایران آمده است و جا دارد آن را ذکر کنیم. به موجب روایاتی در ادبیات تاریخی، هنگامی که تیمور لنگ این مکان را تصرف کرد، مقبره دانیال نبی و آنچه را که در داخل آن بود با خود به سمرقند برد. ولی بسیاری از پژوهشگران درستی این روایت را رد می‌کنند و می‌گویند که چنین کاری صورت نگرفته و بازمانده پیکر نبی یهود همچنان در شوش مدفون است.

نکته دیگری را نیز می‌خواهم درباره شهر شوش بگویم که به تصور من می‌تواند جالب باشد آن این است که در کتاب تلمود که مجموعه بسیار پر حجم آئین یهود و اندیشه و فلسفه این دین است و به مدت چند صد سال به تدریج نگاشته و تدوین شده است، و قدمت آن به حدود دو هزار سال می‌رسد، آمده است که روی در ورودی یکی از دروازه های اورشلیم، نقشی از شهر شوش دیده می‌شده است.

در تلمود آمده است که یک حاخام یهودی از حاخام دیگر می‌پرسد که چرا ما به روی درب یکی از دروازه های اورشلیم نقش شهر شوش را می‌بینیم، و دومی می‌گوید "به خاطر آن که همه ما بدانیم که از کجا آمده ایم". این سخن را می‌توان چنین تفسیر کرد که در آن

ایام (حدود دو هزار سال پیش) شمار یهودیانی که در شهر شوش می زیسته اند آنقدر زیاد بوده که برخی در اورشلیم خود را به آن جا نسبت می داده اند و معلوم می شود که مراد و رفت و آمد بین اورشلیم و شوش رونق داشته است. از این رو می توان گفت که حتی خود شهر شوش نیز در دیدگاه یهودیان یک حالت تقدس پیدا کرده بود.

همان گونه که می دانید، در خود تومار استر و شرح سرگذشت استر و مردخای نیز به شهر شوش چندین بار اشاره می شود که این امر موجب بروز اشتباهی نیز در میان یهودیان ایران می گردد: آنان تصور می کنند وقتی نام "شوشن هبیرا" (שושן הבירה Shoshan Habira - شوشن پایتخت) برده می شود، مقصود شهر همدان است. این در میان یهودیان ایرانی به یک اشتباه عمومی مبدل شده است و این در حالی که وقتی از "شوشن" و "هبیرا" (پایتخت) نام برده می شود، منظور شهر شوش است.

اگر پرسیده شود که "شوش" چگونه به "شوشن" مبدل شده، شاید توضیح بتواند آن باشد که این "ن" اضافی پسوندی است که مکان را نشان می دهد و ما آن را در نام های "تهران" و "خراسان" و "آذربایجان" و "تویسرکان" و غیره به کار می بریم و نشان از مکان و محل دارد.

پرسش - این مطلبی که گفتید که یک حاخام یهودی به حاخام دیگر می گوید "بدان ما از کجا آمده ایم" و به شوش اشاره می کند، می تواند نشان گستردگی مناسبات فرهنگی و تاریخی بین دو ملت یهود و ایران باشد.

پاسخ - بله، و همچنین نشان افتخار یهودیان به این که در شهر شوش ریشه دارند. توجه کنید که روی درب دروازه اورشلیم نقش هیچ شهر دیگری نبوده جز شوش. نه نقش بابل بوده، و نه مصر و نه اماکن دیگر، بلکه نقش پایتخت باستانی ایران.

پرسش - و این واقعیت نشان می دهد که ملت یهود تا چه سپاسگزار ملت ایران و خاک آن سرزمین است.

پاسخ - بله، ملت یهود خود را با ایران یگانه می داند، یعنی بیگانگی وجود ندارد. آن ها از شهر شوش به اورشلیم باز می گردند، ولی برای آن که شوش به فراموشی سپرده نشود، نقش آن را به روی درب ورودی دروازه شهر حک می کنند.

حتی من به جرات می توانم بگویم که همین احساس تاریخی را امروز من در میان همه یهودیان ایرانی نیز در هر کجا که هستند می بینم. فراموش نکنید که من ۵۴ سال است که در اسرائیل زندگی می کنم و بالاجبار از ایران به دور هستم. در این مملکت هر ایرانی را که دیده ام، افتخار می کند که ایرانی است و ایران را زادگاه خود می داند و از ایران با افتخار بسیار سخن می گوید و از دیدگاه او ایران و اسرائیل یک کشور واحد هستند.

من در اسرائیل در اماکن مختلف بوده و در ارتش خدمت کرده و با اقشار گوناگون کشور در ارتباط بوده و آن ها را می شناسم و می بینم که شما وقتی با یک اسرائیلی متولد فرانسه

یا ایتالیا و یا مصر و یا سوریه سخن می گوئید ، هیچ یک از آنان احساسی را که ایرانی زادگان اسرائیل نسبت به ایران دارند، در قبال کشور زادگاه خویش ندارند. این از دیدگاه من بیان کننده ویژگی ایرانی، ایرانی و یهودی ایرانی است.

از سخن به دور افتادیم و اجازه بدهید به زیارتگاه دانیال نبی بازگردیم. البته از دیرباز متولی این مکان یک مسلمان است و به آن جا به صورت یک عبادتگاه و زیارتگاه اسلامی نگاه می شود، و همچنین مطالبی نیز در ارتباط با دانیال نبی در آن جا به زبان عربی یافت می شود.

آن گونه که به من اطلاع داده شده، در داخل بارگاه تابلوئی با کاشیکاری زیبای اصفهان نصب شده که در آن آمده است: «قالَ علی بنُ اَبی طالبٍ عَلَیهِ السَّلَامُ، مَنْ زَارَ اُخَى دَانِیَالٍ عَلَیهِ السَّلَامُ كَمَنْ زَارَنِي - حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید: هر کس برادرم دانیال علیه السلام را زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده است.» مفهوم این حدیث آن است که از دیدگاه حضرت علی (ع)، حضرت دانیال از چنین احترامی برخوردار بوده - که این خود می تواند جزو افتخارات دو ملت ایران و یهود باشد.

متأسفانه چون من از این زیارتگاه دیدن نکرده ام، نمی توانم توضیحات بیشتری درباره داخل آن بلهه و روزگاری اگر امکان بازگشت و دیدار از ایران به دست آید، بلیهی است که یکی از نخستین کارهای من رفتن به شوش و دیدار از این آرامگاه خواهد بود که جاذبه گردشگری اصلی شهر شوش است.

مسلمانان به طور مرتب به زیارت این جایگاه می آیند و تا آن جا که به آگاهی من رسانده شده، یهودیان ایرانی نیز به ویژه از تهران و اصفهان و شیراز که بیشترین شمار یهودیان در آن سه شهر زندگی می کنند، هر سال گروهی از آنان با کرایه کردن چند دستگاه اتوبوس رهسپار شوش می شوند و متولیان مسلمان این زیارتگاه، یهودیان را در کمال محبت و مهربانی پذیرا می گردند و به آنان امکان نذر و نیاز می دهند.

در سال های اخیر شمار یهودیان در ایران بسیار کاهش یافته و جو یهودستیزانه شدیدتر شده و معلوم نیست آیا امکان این گونه زیارت ها همچنان وجود دارد یا خیر. اکثر یهودیان ایران امروز در همان سه شهری که نام بردیم متمرکز هستند و من نمی دانم که آیا در شهر شوش حتی یک نفر یهودی ساکن باشد.

در مورد مسلمانان که جمعیت آنان بسیار زیاد است، می توان گفت که آن ها مرتباً به زیارت این آرامگاه می آیند و در آن جا به نیایش می پردازند و باز یادآوری می کنم که طبق احادیث اسلامی، حضرت علی چه توصیه ای برای زیارت از این آرامگاه کرده است.